

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۷ هـ.ق - ده شب در مدینه)

۲ آبان ۹۴

خطبه‌ی روز عاشورا

شکر خالق بی همتا را که عقل را مقتدای حق و باطل خواند تا مردمان جانشان را در بود و نبودش محک بزنند. اینک خورشید، روزی را آغاز نموده که ساعاتش در رسالت آخرین پیامبر الهی جاودانه خواهد شد، زیرا آنچه مردمان با جهالتشان به جان بی عقلشان خریدند مصیبتی است که هرگز از آن رهایی نخواهند یافت زیرا امیر مؤمنان علی (ع) قبلاً فرمودند: اگر توان درک مصیبتی را که بر سر دینشان آوردند را داشتند هرگز مسلمان نمی‌شدند. آن‌ها در قالب آیات الهی به سمتی حرکت کردند که پایه گذار حکومت شیطان است و ما خاندان نبوت آشکار کننده‌ی چهره‌ی این حکومت خواهیم بود و فرزندان من همانند جدشان حضرت ابراهیم (س) به جنگ باطل خواهند رفت و با تدبیری که در رسالتشان نهفته است چهره‌ی باطل را در هم خواهند کوبید تا خون پاکشان پرچم حق را بیفزاید، پس محرم گویای آبادانی زمین از درون است پس به اسباب و آلات تفکری عمیق محتاج است تا به دنبالش حرکت کرد و زمین جان را با چراغش افروخت.

حال به اذن الله، به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی امروز را قرائت می‌کنیم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز عاشورا

سلام بر الله پروردگار یکتا، آفریننده‌ای که نیستی را به هستی تبدیل فرمود تا مخلوقاتش شاکر این نعمت عظیم باشند. شکر چیست؟ سر به سجده گذاردن و از نعمت‌ها یاد کردن است؟ در فطرت انسان شکر ودیعه‌ی الهی است چه خداپرست باشد و یا کافر پس معرفت در خلقت شکر است؛ تعقل در آنچه پروردگار امر فرموده

مانند فکر کردن به اعجازهای زمان. اینک آیندگان به دینشان و به گذشته‌ی آن به دیده‌ی شک می‌نگرند زیرا درک نعمت وجودشان را ندارند. دین معرفی کننده‌ی حقایق وجود است پس وجود پاره پاره نمی‌تواند دینی داشته باشد؛ او در تمام مراحل زندگی به دنبال پاره‌ی جانش می‌گردد، پس زندگی‌اش در عمری خلاصه می‌شود که نتوانسته جان خویش را بشناسد. در وقت احتضار مأموران الهی به دیدنش می‌آیند: ما را می‌شناسی؟ می‌گویند: خیر. می‌پرسند: خودت را می‌شناسی؟ خیر. پدرت را چگونه؟ مادرت کیست؟ دیگر زبانی برای پاسخ ندارد. متحیر مانده. مرا به کجا می‌برید؟ پاسخ می‌دهند: به جایی که خودت آن را تهیه کرده‌ای. باید بروی. دیگر اراده‌ای برای انتخاب نداری. دنیا تمام شد. اینک جانت در دستان ماست. جانی که یک عمر هر آنچه پسندیده به انجام رسانده است و اینک پاسخ گوی عملش است. جام جانش را شیطان نوشیده و او ذخیره‌ای برای برزخ ندارد. پس می‌کوشد تا نامی را به خاطر بیاورد. افسوس آن زمان که باید آن را به خاطر می‌سپرد آن را فراموش کرد پس هرگز به خاطرش نخواهد آمد؛ تنهای تنها در دام بلا گرفتار است مانند چهره‌هایی که اکنون در مسجد کوفه نشسته‌اند تا به تکلیف و فرمان خداوند کریم برای نماز و قرائت قرآن عمل کنند. نماز را در افکار باطلشان سیر می‌کنند و قرآن را برای ثواب قرائت کرده به دنبال کارشان می‌روند؛ این مسلمانی آنان است. هر بار که وجود مقدس پیامبر برای قرائت خطبه‌ی بعد از نماز به منبر می‌رفت چهره‌ی مبارکش دگرگون می‌شد و می‌فرمود: چرا از جانتان می‌گریزید؟ او را دریابید؛ با اطاعت، چراغش را منور کنید. به خدا پناه ببرید. او پناهگاه مطمئن و بزرگی است. من مزدی از شما نمی‌خواهم جز فرمان پروردگار که فرموده با اهل‌م مهربان باشید پس چرا آنان را مورد آزار قرار می‌دهید؟ از هدایتشان بهره بگیرید؛ فرزندان من نمایان کننده‌ی غیب الهی هستند پس به جان مبارکشان اقتدا کنید.

افسوس که نه به خودشان ترحم کردند و نه از فرمان پروردگار اطاعت کرده به اهل‌بیت اقتدا نمودند پس آینده و گذشته در هم پیچید و مردمان عصر حاضر، شدند همان انکار کنندگان و خوارجی که شیطان لباس تنشان را کند تا صفت درونی‌شان آشکار شود، پس با عبادت و اطاعت دروغین که به آن فخر می‌فروختند به ذوالفقار

گرفتار شده و زندگی ننگینشان به جهنم پیوند خورد، پس باید برای نگهداری ایمانِ درست و راه مستقیم به قرآن و اهل بیت متوسل بود تا خویش خویشتن را گم نکرد.

گوش‌هایی که توانسته تا به امروز از آنچه خوانده شده عبرت بگیرد امید آن دارند که وجود گم گشته در بازار دنیا را بیابند و اگر باز آمدند و رفتند و ایامشان به سر آمد همانند چشم‌هایی که به من می‌نگرد ولی اشباحی بی روح هستند؛ جانی در کالبدشان ندارند تا توان شنیدن داشته باشند؛ جانشان مرتباً در حال گریز است.

ساعاتی از شب گذشته است و مولا علی (ع) در مسجد تنها. امام حسین (ع) به محراب عبادت پدر می‌آید: یا امیر مؤمنین، خطبه‌های آتشین شما حکایت از فاجعه‌ای عظیم دارد. مولا می‌فرمایند: شیطان فتنه را به خانه‌ی پیامبر خواهد کشاند و این حرکت مصیبتی عظیم‌تر را به دنبال خواهد داشت زیرا بهترین صحابه‌ی پیامبر از دین خارج خواهند شد و ما به اجبار کسانی را خواهیم کشت که عمری را در عبادت و اطاعت گذرانده‌اند.

امام می‌فرمایند: چه روزگار سختی است! جدم می‌فرمود: مسلمانان کنونی جان اهل‌بیت را نشانه خواهند گرفت و مسلمانان آینده مقام و عزتشان را؛ آنچه اکنون مشاهده می‌کنم جان ماست که به جهل آنان گرفتار خواهد شد، پس کشتن مقام و عزتشان چگونه است؟ مولا امیر مؤمنان می‌فرمایند: آیندگان آن‌چنان از غیرت تهی می‌شوند که حریم خویش را نیز به بیگانه می‌سپارند؛ زنانشان به دیگران تعلق دارد و فرزندانشان نشانی از پدر و مادر به همراه ندارند؛ در چنین زمانه‌ای عده‌ای خود را به دامن پر مهر ولایت می‌سپارند، در احیاء دین حقیقی از هر آنچه که برایشان عزیز است می‌گذرند تا جان خویش را از آتش خشم الهی نجات دهند؛ به جمع آنان می‌رویم؛ مولا پرده‌ی غیب را می‌گشاید و امام حسین جمعی را مشاهده می‌کنند که با اشتیاق به نصایح امیر مؤمنان گوش فرا داده و اشک از دیدگان‌شان روان است؛ امام حسین می‌پرسند: پدر جان، این مردمان از اولین‌ها هستند که زیر پرچم هدایت امامشان در تلاش‌اند تا دین را در کلام حق بشناسند؟ امیر مؤمنان می‌فرمایند: آنان به آخرین فرزندم آن‌چنان امیدوار هستند که به رحمت الهی باید امید داشت پس

همواره او را به ندبه و زاری طلب می‌کنند تا مسلمانی را بشناسند ما نیز با آنان هم
آواز شده او را می‌خوانیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

والسلام وعلى عباد الله الصالحين

www.rayatolhoda.com